



آشنایی با شرکت نفتی OMV اتریش

این روزها نام شرکت نفتی اتریشی OMV خصوصاً بعنوان خریدار مهم و جدید گاز طبیعی ایران برای انتقال به بازار اروپا، زیاد در اخبار نفتی ایران شنیده می‌شود. از آنجایی که این شرکت در ایران کمتر شناخته شده است در این گزارش به معرفی این شرکت پرداخته شده است.

OMV در یک نگاه

- سابقه فعالیت: ۴۱ سال (تأسیس شرکت سال ۱۹۵۶ میلادی)
- نوع شرکت در بدو تأسیس: دولتی
- نوع شرکت در حال حاضر: سهامی عام
- حوزه فعالیت فعلی: اکتشاف، استخراج و پالایش نفت و گاز و فروش فرآورده‌های آنها، تولید محصولات پتروشیمی و نیز انرژی‌های تجدید پذیر
- تعداد کارکنان: ۴۰۹۹۳ نفر
- فروش در سال ۲۰۰۶: ۱۸/۹۷ میلیارد یورو
- ارزش بازار^۱ در سال ۲۰۰۶: حدود ۱۴ میلیارد یورو
- رتبه در فورچون ۲۰۰۵ (سال ۲۰۰۶ میلادی): ۲۸۶
- رتبه در فورچون ۵۰۰ (سال ۲۰۰۵ میلادی): ۳۳۴
- محدوده جغرافیایی فعالیت: اتریش و ۱۸ کشور دیگر جهان در ۵ قاره
- ویژگی‌ها: بزرگ‌ترین شرکت نفت و گاز در اروپای مرکزی و نیز بزرگ‌ترین شرکت صنعتی اتریش از نظر گردش مالی^۲
- مدیر عامل: آقای ولفگانگ راتن اشتورفر
- مقر دفتر مرکزی شرکت: وین، اتریش
- وب سایت: www.omv.com

مقدمه

OMV سرواژه کلمات Österreichische Mineralöl Verwaltung

در زبان آلمانی است که بمعنای مؤسسه نفت اتریش می‌باشد. این شرکت که در ابتدای تأسیس صرفاً در زمینه پالایش نفت و فروش فرآورده‌های نفتی فعالیت می‌نمود بتدریج دامنه فعالیت‌های خود را به بخش بالادستی نفت و نیز پایین‌دستی نفت و گاز و پتروشیمی توسعه داده است. بطوریکه در حال حاضر بعنوان یک هلدینگ نفتی محدود کسب و کار خود را در قالب ۴ گروه اصلی اکتشاف و تولید نفت و گاز، پالایش نفت و فروش فرآورده‌های نفتی، گاز طبیعی و انرژی‌های تجدیدپذیر بازآرایی نموده است. شرکت OMV هنگام تأسیس در سال ۱۹۵۶ دولتی بود ولی در دهه ۱۹۸۰ و همزمان با گسترش خصوصی‌سازی در اروپا، مالکیت آن به بخش‌های غیردولتی واگذار شد و طی تاریخ ۴۰ ساله خود به یکی از شرکت‌های صنعتی برتر در اتریش و در سطح جهان تبدیل شده است.



مهمترین تحولات در تاریخچه شرکت OMV به شرح زیر است:

سال	رویداد	سال	رویداد
۱۹۹۷	گشایش اولین جایگاه سوخت‌گیری CNG شرکت در اتریش	۱۹۵۶	تأسیس شرکت
۱۹۹۸	فروش شرکت PCD به شرکت ^{۱۰} Borealis و خریداری ۲۵ درصد از سهام شرکت اخیر	۱۹۶۰	راه‌اندازی پالایشگاه Schwechat
۱۹۹۹	تحت تملک درآوردن شرکت اکتشاف نفت استرالیا موسوم به Cultus Petroleum	۱۹۶۵	ورود به کسب و کار فروش روغن‌های معدنی با شرکت‌های Marta و OROP که بعداً ELAN نامیده شد.
۲۰۰۰	گشایش اولین پمپ بنزین شرکت در رومانی و بلغارستان	۱۹۶۸	انعقاد نخستین قرارداد واردات گاز با اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی سابق
۲۰۰۰	خریداری حلدو ۱۰ درصد از شرکت نفت مجارستان موسوم به MOL	۱۹۷۰	بهره‌برداری از خط لوله آدریا-وین ^۴
۲۰۰۱	گسترش حوزه‌های اکتشافی در کشورهای یمن، ایران و ایرلند تغییر ساختار بخش گاز طبیعی شرکت به عنوان یکی از شرکت‌های زیرمجموعه	۱۹۷۴	بهره‌برداری از خط لوله سراسری اتریش موسوم به TAG ^۵
۲۰۰۲	خریداری ۲۵/۱ درصد از گروه رم پترول ^{۱۱} گشایش اولین پمپ بنزین شرکت در جمهوری صربستان-مونتنگرو	۱۹۸۰	بهره‌برداری از خط لوله غرب اتریش موسوم به WAG ^۶
۲۰۰۳	خریداری شرکت اکتشاف و استخراج بین‌المللی پروساگ انرژی ^{۱۲} خریداری ۴۵ درصد سهام شرکت بایرنویل-رافینریوربوند ^{۱۳} و نیز ۳۱۳ پمپ بنزین متعلق به شرکت بریتیش پترولیوم در آلمان، مجارستان و اسلواکی	۱۹۸۴	عرضه بنزین بدون سرب در اتریش برای اولین بار
۲۰۰۳	گشایش اولین پمپ بنزین شرکت در بوسنی و هرزگوین خریداری ۱۳۹ پمپ بنزین شرکت آوانتی ^{۱۴} در اتریش، جمهوری چک، اسلواکی و بلغارستان	۱۹۸۵	انجام اولین عملیات اکتشاف و استخراج شرکت در عرصه بین‌المللی در کشور لیبی
۲۰۰۴	تجدید ساختار شرکت به جایگاه یک شرکت هولدینگ خریداری ۵۱ درصد سهام گروه نفت و گاز رومانی موسوم به Petrom افزایش سرمایه شرکت و صدور اوراق قرضه قبل معاوضه ^{۱۵} در حالیکه میزان سهام شناور ^{۱۶} هنوز هم بیشتر از ۵۰ درصد است	۱۹۸۷	خریداری پالایشگاه Burghausen برداشتن اولین گام بسوی خصوصی‌سازی با ارائه ۱۵ درصد از سهام به بخش خصوصی
۲۰۰۵	فروش سهام شرکت در گروه رم پترول تملک ۱۰۰ درصد سهام شرکت "بورالیس" بصورت مشترک با شرکت IPIC	۱۹۸۹	تحت تملک درآوردن شرکت پلیمری PCD ^۷ فروش ۱۰ درصد دیگر از سهام شرکت به بخش خصوصی
۲۰۰۵	فروش ۵۰ درصد سهام شرکت AMI ^{۱۷} به شرکت IPIC	۱۹۹۰	خریداری گروه شیمی لینز ^۸ ؛ گشایش اولین پمپ بنزین شرکت
۲۰۰۶	تملک ۳۴ درصد سهام گروه نفت و گاز ترکیه موسوم به پترول آفیس ^{۱۸}	۱۹۹۱	آغاز کسب و کار خرده‌فروشی فرآورده‌های نفتی در سطح جهانی با گشایش اولین جایگاه‌های پمپ بنزین شرکت در مجارستان، جمهوری چک، اسلواکی، آلمان و ایتالیا
		۱۹۹۴	خریداری ۱۹/۶ درصد سهام OMV توسط شرکت IPIC (ابوظبی) ^۹
		۱۹۹۵	تغییر آرم شرکت
		۱۹۹۶	عرضه دوم بخشی از سهام شرکت به میزان ۱۵ درصد

هدیگ OMV

OMV علاوه بر نفت و گاز در زمینه انرژی‌های تجدیدپذیر نیز فعالیت می‌نماید. از آنجا که انرژی‌های تجدیدپذیر اخیراً به مجموعه فعالیت‌های شرکت افزوده شده و هنوز به مقیاس تجاری نرسیده است لذا سهم هر یک از کسب و کارهای قدیمی‌تر شرکت از مجموع درآمدهای شرکت در سال ۲۰۰۶ که بالغ بر ۱۸/۹۷ میلیارد دلار می‌باشد، بشرح ذیل گزارش شده است:

- اکتشاف و تولید ۴ درصد

- پالایش نفت و تولیدات پتروشیمی و بازاریابی و فروش آنها ۸۵ درصد

- گاز طبیعی ۱۰ درصد

ترکیب سهامداران شرکت در سال ۲۰۰۶ بدین ترتیب بوده است:

- شرکت ۵/۳۱ OIAG درصد

- شرکت IPIC (ابوظبی) ۱۷/۶ درصد

- سهام شناور ۵۰/۹ درصد که ۲۰ درصد آن به سهامداران اتریشی،

۱ درصد به سهامداران بریتانیایی، ۹ درصد به سهامداران آمریکایی،

۸- درصد به سهامدارانی از بقیه اروپا و ۳/۹ درصد به سهامدارانی

از بقیه جهان تعلق دارد.

علاوه شرکت OMV دارای سهام کنترولی و مدیریتی در برخی از

جستجو برای تولید نفت و گاز یکی از سه کسب و کار اصلی شرکت OMV می‌باشد. برای یک گروه یکپارچه نفت و گاز، ایجاد توازن بین فعالیت‌های اکتشاف و تولید (E&P) و پالایش و بازاریابی (R&M) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تولید نفت OMV هم‌اکنون دو سوم مقداری است که در پالایشگاه‌های این شرکت تصفیه می‌شود و این امر یکپارچگی متوازن کسب و کارهای مذکور را تضمین می‌نماید. با نهایی شدن خریداری سهام مدیریتی شرکت پتروم، تولید روزانه نفت OMV به حدود ۳۲۲۰۰۰ بشکه در روز افزایش یافت. و این بدان معناست که OMV هم‌اکنون بزرگترین تولیدکننده نفت و گاز در اروپای مرکزی می‌باشد. تولید روزانه ۵۰۰ هزار بشکه برای سال ۲۰۱۰ هدف‌گیری شده است. برای نیل به این هدف سرمایه‌گذاری سالانه ۷۰۰ میلیون یورو ما بین سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ برای تضمین رشد بخش اکتشاف و تولید با احتساب شرکت پتروم پیش‌بینی گردیده است.

ورود OMV به عرصه بین‌المللی اکتشاف و تولید با فعالیت‌های اکتشاف در لیبی در سال ۱۹۸۵ آغاز شد. تا آن زمان فعالیت‌های تولید نفت و گاز شرکت در اتریش متمرکز بود. در سال ۲۰۰۶ گروه دارای فعالیت‌های اکتشاف و تولید در ۱۹ کشور و ۵ قاره جهان بود که به شش ناحیه اصلی ۱- اطراف رود دانوب و دریای آدریاتیک، ۲- شمال آفریقا، ۳- شمالغرب اروپا، ۴- خاورمیانه، ۵- استرالیا و نیوزیلند، ۶- روسیه و اطراف دریای خزر، تقسیم شده است.

ذخایر نفت و گاز OMV پس از خریداری اکثریت سهام گروه رومانیایی پتروم، به حدود ۱/۳ میلیارد بشکه معادل نفت خام در پایان دسامبر سال ۲۰۰۶ بالغ شده است. تأسیسات و امکانات شرکت پتروم مشتمل بر ۳۰۰ میدان نفت و گاز، حدود ۱۵۰۰۰ چاه تولیدی؛

شرکت‌های دیگر نفت و گاز اتریشی و خارجی با درصدهای مختلف بشرح زیر است:

- شرکت بورآلیس ۳۶ درصد
- گروه مجاری MOL ۲۰/۲ درصد
- شرکت بایرنویل ۴۵ درصد
- شرکت انون گاز ۵۰^{۲۰} درصد
- شرکت پتروم ۵۱ درصد
- شرکت پترول آفیس ترکیه ۳۶/۴ درصد

چشم‌انداز، رسالت و استراتژی شرکت OMV در اسناد این شرکت به شرح زیر تبیین گردیده است:

چشم‌انداز شرکت: بعنوان شرکت پیشرو نفت و گاز در اروپای مرکزی، ما موجب پویایی مردم می‌شویم.

رسالت شرکت: رسالت و مأموریت ما اکتشاف و استخراج نفت در چهار قاره جهان است. ما تأمین‌کننده انرژی، گرما و حرکت و نیز محصولات و خدمات روزمره مورد نیاز میلیون‌ها نفر از مردم هستیم.

استراتژی شرکت: ما تصمیم داریم موقعیت خود را در بازار و در بخش‌های اکتشاف و تولید، پالایش و بازاریابی و همچنین گاز طبیعی تا سال ۲۰۱۰ تحکیم نماییم. برای نیل به این مقصود در نظر داریم نصف مقدار نفتی را که هم‌اکنون تصفیه می‌کنیم خودمان استخراج نماییم. ما به لزوم رشد سودآوری شرکت هم به لحاظ کمی و هم به لحاظ کیفی اعتقاد داریم و این مهم را با استفاده از منابع خود و نیز از طریق تملک دیگر شرکت‌ها محقق می‌سازیم.

هر یک از بخش‌های کسب و کار^{۲۱} شرکت OMV به شرح زیر است:

الف- اکتشاف و استخراج (E&P)



کشور اروپای مرکزی بطور روزانه فرآورده‌های مورد نیاز خود را از طریق ۲۵۰۰ پمپ بنزین تأمین می‌نمایند.

پالایشگاه‌های اشواخت و بورگ هاوزن به ترتیب تأمین کننده اصلی بنزین فرودگاه‌های بین‌المللی وین و مونیخ بشمار می‌آیند. ضمناً هر دو پالایشگاه علاوه بر فرآورده‌های نفتی با کیفیت، محصولات پایه پتروشیمی را برای گروه محصولات پلاستیکی بوره آلیس، که شرکت OMV دارای سهامداران است، تولید می‌نمایند.

ج- گاز طبیعی

از زمان انتقال مالکیت شرکت SMV^{۲۵} به شرکت OMV در سال ۱۹۵۵، این شرکت بطور منظم کسب و کار گاز طبیعی در اتریش را توسعه داده است. در اواخر دهه ۱۹۵۰ بهره‌برداری از میدان گازی زوردندوف^{۲۶} که کماکان بزرگترین میدان گازی کشف شده در اتریش می‌باشد، آغاز گردید. در ادامه فعالیت‌های اکتشافی این شرکت، جمعاً ۷۱ میدان نفت و گاز تا پایان سال ۱۹۹۴ در اتریش کشف شد. آخرین مورد از کشفیات مذکور، میدان گازی اشتراسهوف^{۲۷} در شمال وین در سال ۲۰۰۵ بوده است. ذخایر تقریبی میدان مذکور ۴ میلیارد بشکه گزارش شده است که حدوداً برابر با نصف مصرف گاز سالانه اتریش می‌باشد.

علیرغم وجود میادین متعدد گازی، در دهه ۱۹۶۰ آشکار شد که ذخایر کشف شده در اتریش قادر به تأمین گاز مورد نیاز در آینده این کشور نیست. لذا OMV در ژوئن ۱۹۶۸ تصمیم گرفت قرارداد تأمین گاز را با اتحاد شوروی امضاء نماید و از این نظر اولین شرکت اروپایی بود. این ابتکار عمل OMV الگویی برای سایر شرکت‌های اروپایی به منظور عقد قراردادهای مشابه با اتحاد شوروی شد. با گذشت زمان

و کاهش ذخایر گاز اتریش آشکار شد که واردات از شوروی سابق باید افزایش پیدا کند. اتحاد شوروی کماکان یک تأمین کننده گاز قابل اعتماد باقی ماند و قراردادهای جدیدی در سال‌های ۱۹۷۴، ۱۹۷۵ و ۱۹۸۲ به امضاء رسید و سپس در سال ۱۹۹۴ قراردادهای مورد بحث تاسال‌های ۲۰۱۲، ۲۰۱۶ و حتی ۲۰۲۷ تمدید گردید.

در سال ۲۰۰۵ فروش گاز شرکت OMV و شرکت اکون گاز ۸/۹ میلیارد متر مکعب و فروش شرکت رومانیایی پتروم ۵/۳ میلیارد متر مکعب بوده است و تقریباً یک سوم از صادرات گاز طبیعی روسیه به اروپای غربی از طریق هاب بومگارتن^{۲۸} متعلق به OMV انجام پذیرفته است. عملیات صادرات گاز از طریق شبکه‌ای از خطوط لوله به طول ۲۰۰۰ کیلومتر انجام می‌شود. حجم گاز طبیعی منتقل شده توسط OMV بالغ بر ۴۴/۵ میلیارد متر مکعب در سال می‌باشد که علاوه بر کل گاز مصرفی اتریش، بخش مهمی از گاز مصرفی

دارایی‌هایی در فلات قاره دریای سیاه و برخی امتیازهای اکتشاف و تولید در قزاقستان می‌باشد.

در ژوئن سال ۲۰۰۷ میزان کل تولید روزانه OMV ۳۲۲۰۰۰ بشکه معادل نفت خام بوده و ترکیب آن در مناطق مختلف جهان از این قرار بوده است:

- اتریش: تولید نفت و گاز به میزان ۴۰۰۰۰ بشکه معادل نفت خام؛ با هدف افزایش تولید ۲۵ درصد تا سال ۲۰۱۰

- رومانی: تولید نفت و گاز به میزان ۱۹۵۰۰۰ بشکه معادل نفت خام - اروپای شمال غربی: تولید نفت و گاز به میزان ۱۲۰۰۰ بشکه معادل نفت خام

- شمال آفریقا: تولید نفت و گاز به میزان ۳۰۰۰۰ بشکه معادل نفت خام در لیبی و ۸۰۰۰ بشکه در تونس

- خاورمیانه: OMV هم‌اکنون بزرگترین تولیدکننده خارجی گاز در پاکستان است. مقدار تولید گاز از میادین مینائو و ساوان تقریباً ۱۹۰۰۰ بشکه معادل نفت خام می‌باشد. تولید نفت و گاز در کشور یمن نیز معادل ۱۰۰۰ بشکه نفت خام است.

- استرالیا و نیوزیلند: در سال ۲۰۰۶ OMV بسرعت جایگاه خود

را در بازار گاز نیوزیلند ارتقاء داد و با آغاز بهره‌برداری از میدان پوهوکورا، هم‌اکنون OMV سومین تولیدکننده بزرگ گاز در این کشور می‌باشد. تولید نفت و گاز در کشور نیوزیلند نیز برابر با ۱۲۰۰۰ بشکه معادل نفت خام گزارش شده است.

- روسیه و ناحیه دریای خزر: OMV از طریق شرکت پتروم در این منطقه فعال است و تولید نفت و گاز آن به میزان ۴۰۰۰ بشکه معادل نفت خام می‌باشد.

ب- پالایش نفت و پتروشیمی و بازاریابی و فروش

کسب و کار پالایش و بازاریابی شرکت OMV سرآمد این شاخه از کسب و کار در حوزه رود دانوب می‌باشد و بازاری به وسعت ۱۳ کشور و با جمعیت بیش از ۱۰۰ میلیون نفر را تحت پوشش خود دارد. در حال حاضر پالایشگاه‌های OMV عبارتند از: اشواخت در اتریش، پالایشگاهی در بورگ هاوزن واقع در جنوب آلمان که هر دو پالایشگاه دارای مجتمع‌های پتروشیمی مربوط به خود نیز هستند. بعلاوه با در اختیار داشتن پالایشگاه‌های پتروبرازی^{۲۲} و آرپکیم^{۲۳} در رومانی و ۴۵ درصد سهام پالایشگاه بایرنویل^{۲۴} در جنوب آلمان مجموع ظرفیت پالایشی شرکت معادل ۵۴۰۰۰۰ بشکه در روز می‌باشد.

با خریداری شرکت پتروم، سهم بازار OMV در ناحیه دانوب که برای سال ۲۰۰۸ میلادی ۲۰ درصد هدف گذاری شده بود؛ زودتر از زمان موعود محقق گردید. هم‌اکنون ۸۰۰ هزار نفر از ساکنین ۱۳

بازار نفت در آستانه ورود به فصل زمستان قرار دارد و پایین بودن سطح ذخیره سازی‌ها تاثیر فزاینده‌ای بر قیمت‌ها دارد

ایستگاه‌های تقویت فشار در نقاط مهم خط لوله می‌شود تا بتدریج ظرفیت خط لوله را به ۳۱ میلیارد متر مکعب برساند.

OMV در ایران

سابقه فعالیت OMV در ایران به دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. در اسفند ماه ۱۳۴۷ (مارس ۱۹۶۹) قرارداد پیمانکاری اکتشاف نفت و گاز ما بین

ردیف	نام شرکت	کشور متبوع	درصد سهام
۱	اراپ (ERAP)	فرانسه	۳۲
۲	آجیپ (AGIP)	ایتالیا	۲۸
۳	هیسپانویل (HISPANOIL)	اسپانیا	۲۰
۴	پتروفینا (PETROFINA)	بلژیک	۱۵
۵	اوام و (OMV)	اتریش	۵

شرکت ملی نفت ایران و کنسرسیومی متشکل از ۵ شرکت اروپایی موسوم به آگوکو^{۲۹} شامل شرکت‌های ذیل منعقد گردید.

مساحت ناحیه قرارداد ۳۶ هزار کیلومتر مربع بوده و در حوزه فارس (ناحیه استرادی از کنسرسیوم سابق) قرار داشت. در این قرارداد وظایف پیمانکاری کل به شرکت "سوفیران" واگذار شد. مقدار نفتی که طبق قرارداد می‌بایست به طرف‌های دوم فروخته شود بین ۳۰ تا ۴۵ درصد (با توجه به میزان تولید) تعیین شده و بهای آن از جمع استهلاك سالانه هزینه‌ها بعلاوه ۲ درصد و مبلغی معادل ۵۰ درصد ما به التفاوت بین قیمت بازار و جمع اقلام هزینه تشکیل می‌شد. قرارداد آگوکو منجر به کشف میادین مهم گازی کنگان، نار، آغار و دالان گردید. این قرارداد پس از پیروزی انقلاب ملغی اعلام شد.

در سال‌های اخیر شرکت OMV مجدداً در قالب مشارکت با سایر شرکت‌های خارجی در ایران فعال شده است. در همین راستا در تاریخ ۳ اردیبهشت ۱۳۸۰ کنسرسیومی متشکل از شرکت OMV (با سهم ۳۴ درصد)، ریسول اسپانیا (با سهم ۳۳ درصد) و سیپترویل شیلی (با سهم ۳۳ درصد) یک قرارداد اکتشاف با شرکت ملی نفت ایران منعقد نمودند تا به انجام عملیات اولیه اکتشاف در بلوک مهر بپردازند. اراضی بلوک مهر به وسعت ۲۰۰۰ کیلومتر مربع در بخش کمربندی چینه زاگرس مرکزی واقع شده‌اند. این منطقه با توجه به اینکه قبلاً فقط دو حلقه چاه اکتشافی در سال‌های دهه ۴۰ در آن حفر گردیده و نیز به لحاظ سابقه اندک لرزه نگاری، از پتانسیل چشمگیری برخوردار است.

طول قرارداد اکتشافی ۴ سال است و شرکت OMV تا ژانویه سال ۲۰۰۳ میلادی، ۱۰۰۰ کیلومتر لرزه نگاری دو بعدی در منطقه انجام داده است و مطالعات ژئوفیزیکی و زمین‌شناسی

کشورهای آلمان، ایتالیا، فرانسه، کرواسی، اسلواکی و مجارستان را نیز شامل می‌شود.

بدلیل تقاضای رو به تزاید گاز طبیعی در اروپا که خود معلول عوامل مختلفی از جمله مزیت‌های زیست محیطی گاز طبیعی، در مقایسه با سایر سوخت‌های فسیلی، می‌باشد؛ OMV در نظر دارد تا سال ۲۰۱۰ فروش گاز و حجم ترانزیت سالانه خود را بترتیب به ۲۰ و ۵۶ میلیارد متر مکعب برساند که یک سوم فروش گاز در سال مذکور از طریق تولید خود شرکت (و شرکت‌های تابعه آن) و مابقی از طریق خرید گاز از منابع گوناگون و انتقال آن به شیوه‌های مختلف که ذیلاً به آنها اشاره می‌شود، خواهد بود.

- پایانه دریافت و تبخیر مجدد LNG در آدریا واقع در کرواسی که LNG وارد شده از طریق دریای مدیترانه را دریافت و پس از برگرداندن آن به حالت اولیه گاز طبیعی به خطوط انتقال تحت اختیار OMV تحویل می‌دهد.

- خط لوله گاز نابوکو:

این پروژه جهت مرتبط نمودن منابع گازی سرشار منطقه خاورمیانه، دریای خزر و همچنین مصر از طریق یک خط لوله گاز واحد به بازار مصرفی اروپای مرکزی و غربی با عبور از کشورهای ترکیه، بلغارستان، رومانی و مجارستان به سمت اتریش و دیگر کشورهای اروپای غربی طراحی شده است. طول خط لوله حدوداً ۳۳۰۰ کیلومتر است که از مرز گرجستان/ترکیه و یا ایران/ترکیه آغاز و به طرف منطقه بومگارتن اتریش امتداد می‌یابد. ظرفیت انتقال این خط لوله عظیم، ۳۱ میلیارد متر مکعب در سال پیش‌بینی شده است و سرمایه‌گذاری مورد نیاز بالغ بر ۵ میلیارد یورو محاسبه شده است. بدنبال نتایج امیدوارکننده مطالعات امکان‌پذیری پروژه، تصمیم گرفته شد که این خط لوله در دو مرحله اصلی ساخته شود. مرحله اول، ساخت خط لوله از مرز ترکیه به منطقه بومگارتن اتریش و مرحله دوم ساخت ایستگاه‌های تقویت فشار جهت افزایش ظرفیت گاز انتقالی می‌باشد. بعلاوه قرار شد که مرحله اول خود به دو بخش جداگانه تقسیم گردد، بنحوی که بخش اول از سال ۲۰۰۹ شروع خواهد شد که شامل احداث مسیر پیش‌بینی شده از آنکارا تا بومگارتن خواهد بود و حدوداً ۲۰۰۰ کیلومتر طول خواهد داشت. پس از این مرحله تأسیسات خطوط لوله موجود بین ترکیه/گرجستان و مرزهای ایران بمدت دو سال بطور موقت مورد استفاده خواهد بود تا خط لوله جدید را به مرزهای ترکیه اتصال دهند. به این ترتیب امکان شروع بهره‌برداری از خط لوله در سال ۲۰۱۲ با ظرفیت اولیه ۸ میلیارد متر مکعب در سال فراهم خواهد شد و بطور همزمان عملیات احداث بقیه خط لوله ادامه خواهد یافت. مرحله دوم احداث خط لوله از سال ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۳ انجام خواهد پذیرفت و شامل احداث مابقی خط لوله از مرز ترکیه تا گرجستان (یا ایران) و آنکارا خواهد بود. مرحله سوم ساخت بخش دوم نیز شامل نصب

نیز بررسی‌های اقتصادی می‌گردید. نتایج این مطالعات در قالب یک گزارش جامع تقدیم شرکت ملی نفت گردید و این شرکت پس از بررسی‌های لازم در فوریه سال ۲۰۰۷ اقتصادی بودن تولید نفت از میدان را رسماً اعلام نمود. این موفقیت شروعی برای مذاکرات توسعه میدان با استفاده از فناوری حفاری افقی و روش‌های تحریک چاه برای تولید بهینه از میدان می‌باشد. شرکت OMV در سال ۲۰۰۷ میلادی عملیات اکتشاف نفت را با حفاری در میدان بند کرخه شمالی ادامه می‌دهد.

علاوه بر بخش بالادستی نفت و گاز، شرکت OMV در اردیبهشت ماه سال ۸۶ در حاشیه دوازدهمین نمایشگاه بین‌المللی نفت، گاز و پتروشیمی توافقی‌نامه‌ای را با وزارت نفت امضاء نمود که به موجب آن OMV در بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی فاز ۱۲ پارس جنوبی مشارکت خواهد کرد. به این ترتیب سه تفاهم‌نامه مهم برای موارد ذیل بین شرکت ملی نفت ایران و شرکت‌های زیرمجموعه آن (شرکت نفت و گاز پارس و شرکت ملی صادرات گاز) و شرکت OMV امضاء رسید:

۱. سرمایه‌گذاری ۱۰ درصدی در عملیات احداث واحد ایران ال‌ان‌جی
۲. خرید سالانه ۲/۲ میلیون تن LNG از ایران
۳. خرید ۵ میلیارد متر مکعب گاز طبیعی از ایران برای انتقال به اروپا از طریق خط لوله نابوکو.

را تا پایان سال ۲۰۰۳ به مرحله نهایی رسانده است. اولین حلقه چاه اکتشافی موسوم به بند کرخه ۲ در سال ۲۰۰۴ حفری و کشف نفت در آن در ژانویه سال ۲۰۰۵ اعلام گردید. حفاری دومین حلقه چاه اکتشافی موسوم به مشتاق شرقی ۱ در سال ۲۰۰۵ آغاز شد و گزارش تجاری بودن میدان بند کرخه در ژوئن ۲۰۰۵ به شرکت ملی نفت ایران ارائه گردید و متعاقباً این شرکت در ۱۲ بهمن ماه ۱۳۸۵ تجاری بودن میدان بند کرخه را تأیید نمود. حفاری آخرین چاه اکتشافی در نیمه نخست سال ۲۰۰۷ انجام خواهد پذیرفت.

شرکت OMV در سال ۲۰۰۴ میلادی با حفاری چاه بند کرخه ۲ موفق به اکتشاف نفت در سازند ایلام میدان بند کرخه گردید و در ابتدای سال ۲۰۰۵ عملیات آزمایش چاه با موفقیت انجام گرفته و نفت با گرانروی API ۲۴ به میزان بیش از هزار بشکه در روز تولید گردید.

پیرو نتایج امید بخش فوق، مطالعات لازم جهت محاسبه میزان ذخیره نفت موجود در میدان و همچنین توان تولید آن انجام گردید. این مطالعات شامل بررسی‌های زمین‌شناسی، پتروفیزیکی و ژئوفیزیکی، مدل‌سازی استاتیک و دینامیک مخزن، بررسی روش‌های مختلف تحریک و تکمیل چاه و

پی‌نوشت:

13. Bayernoil-Raffinerieverbund
14. Avanti
15. convertible bond
16. free float
17. Agrolinz Melamine International

۱۸. شرکت پترول آفیس (Petrol Ofisi) مهم‌ترین شرکت توزیع و فروش فرآورده‌های نفتی در ترکیه است که در سال ۱۹۴۱ تأسیس گردید. این شرکت در سال ۲۰۰۰ خصوصی شد و هم‌اکنون ارزش بازار آن معادل ۳/۱ میلیارد دلار است.

۱۹. OIAG سرواژه عبارت آلمانی Österreichische Industrie Holding AG است که بمعنای مؤسسه سرمایه‌گذاری و خصوصی‌سازی اتریش می‌باشد.

20. EnonGas GmbH
21. Business Segment
22. Petrobrazi
23. Arpechim
24. Bayernoil
25. Sowjetische Mineralol Verwertung
26. Zwerndorf
27. Strasshof
28. Baumgarten hub

۲۹. آگوکو سرواژه عبارت European Group of Oil Companies بمعنای مجموعه شرکت‌های نفتی اروپایی است.

1. Market Capitalization

۲. مجله معروف فورچون همه ساله فهرست ۵۰۰ شرکت برتر جهان را از جهات مختلف و از جمله از نظر مقدار فروش سالانه منتشر می‌کند. جایگاه شرکتها در این فهرست یکی از معیارهای اصلی مقایسه وضعیت آنها با شرکت‌های رقیب تلقی می‌شود.

<http://money.cnn.com/magazines/fortune/global500/2007>

3. Turnover
4. Adria-Wien
5. Trans-Austria Gas Pipeline
6. West-Austria Gas Pipeline
7. PCD Polymere GmbH
8. CHEMIE LINZ Group

۹. IPIC سرواژه International Petroleum Investment Company و بمعنای شرکت سرمایه‌گذاری بین‌المللی نفت می‌باشد. این شرکت دولتی و متعلق به امیرنشین ابوظبی بوده و مسئول کلیه سرمایه‌گذاری‌های خارجی این امیرنشین در بخش‌های نفت و مواد شیمیایی است و تحت نظارت شورای عالی نفت ابوظبی فعالیت می‌نماید.

۱۰. شرکت بوره آلیس (Borealis) دومین تولیدکننده بزرگ پلاستیک در اروپاست و دارای ۴۰ سابقه در تولید پلی‌اتیلن و پلی‌پروپیلن می‌باشد.

۱۱. شرکت رم پترول (Rompertrol) یک شرکت نفتی رومانیایی است که در سال ۱۹۷۴ تأسیس گردیده و هم‌اکنون در چند کشور اروپایی فعالیت می‌نماید.

12. Preussag Energie international E&P

درس‌های مدیریتی در احداث پالایشگاه ایلام



ایلام را منتشر کردند و شرکت ملی گاز ایران در منابع خبری از سودآوری و خدمت بزرگ دیگری در سطح کشور خبر داد و عنوان کرد که با راه اندازی این پالایشگاه تمامی سرمایه گذاری صورت گرفته ظرف مدت ۱۸ ماه به صندوق خزانه کشور برخواهد گشت و پس از آن پالایشگاه وارد فاز سوددهی خواهد شد. از سویی دیگر مهندس کسایی زاده -مدیر عامل شرکت ملی گاز ایران- در مصاحبه های خود به تأمین گاز مصرفی زمستان کشور و نبود کمبود گاز در روزهای اوج مصرف اشاره کرد که با توجه به نزدیکی زمان این مصاحبه ها و زمان افتتاح پالایشگاه نمی توان نقش پالایشگاه ایلام

را در این زمینه نادیده گرفت. البته این نکته را نباید ناگفته گذاشت که این پالایشگاه هم اکنون ۱۸ ماه از برنامه عقب است. در ادامه گزارش برخی از علل این تأخیر بررسی می شوند.

پروژه پالایشگاه گازی ایلام در سه بخش و به صورت هماهنگ و موازی طراحی شد. در بخش نخست این پروژه گازرسانی، بهره برداری از میدان گازی تنگ بیجار به شرکت نفت مناطق مرکزی ایران سپرده شد تا گاز استخراجی از این میدان توسط یک خط لوله به پالایشگاه منتقل شود. در بخش دوم و سوم طرح که احداث پالایشگاه و خط لوله انتقال گاز به خط لوله سراسری برای تأمین گاز استان های ایلام و کرمانشاه مدنظر بود طرح، توسط شرکت ملی گاز ایران انجام شد.

میدان تنگ بیجار، تأمین کننده گاز پالایشگاه

میدان گازی تنگ بیجار، یک میدان مستقل گازی است که از لحاظ جغرافیایی در استان ایلام و در ۸۰ کیلومتری شمال غربی این استان واقع شده است. این میدان گازی دارای ۲۱۰۰ میلیارد فوت مکعب گاز ذخیره قابل برداشت است که هم اکنون فرایند توسعه آن در فاز نخست به پایان رسیده و روزانه ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار مترمکعب گاز ترش را از طریق یک خط لوله به پالایشگاه ارسال می کند. این میدان از دو طاقدیس مجاور به

ایران دومین جایگاه را پس از روسیه از لحاظ منابع گازی در جهان دارد و این امر به همراه گسترده گی و پخش شدگی منابع گازی در سطح کشور موقعیتی برتر را نصیب کشورمان کرده است. وجود این عوامل از طرفی مسئولیت سنگینی را نیز برعهده مسئولان قرار می دهد. شرکت ملی گاز ایران به عنوان شرکت مادر تخصصی در حوزه پالایش، انتقال و تأمین گاز مصرفی مصرف کنندگان صنعتی، تجاری و خانگی در سطح کشور، مسئولیت پالایش، انتقال و حمایت در جهت رسیدن گاز به مصرف کننده نهایی را بر عهده دارد. این شرکت برای تأمین گاز کشور از مخزن گازی پارس جنوبی و برخی از مخازن گازی در نواحی دیگر کشور استفاده می کند و لازم است از پخش شدگی مناسب منابع گازی در سطح کشور در جهت گازرسانی بهتر به مردم استفاده نماید.

استان ایلام در غرب کشور از جمله استان های محروم کشور است که به رغم داشتن پتانسیل بالا در زمینه های مختلف، به دلایل گوناگون، و از جمله جنگ تحمیلی، هنوز رنگ و غبار محرومیت را با خود بدک می کشد. از سال ۱۳۷۹ برای رفع تنگنای استان و ارتقای جایگاه رفاهی زندگی مردم این استان، احداث پالایشگاه گاز ایلام، برای رفع کمبود گاز استان و امکان بهره گیری بیشتر از این سوخت پاک بدون اعمال فشار بر شبکه گازی کشور و از محل خود استان، در دستور کار مسئولان قرار گرفت و مقرر شد تا گاز مورد نیاز این پالایشگاه از محل مخزن گازی تنگ بیجار در خود استان ایلام تأمین گردد. این امر در راستای دو هدف مهم و استراتژیک صنعت گاز کشور، در قالب بهره گیری از مزیت نسبی گاز در جهت تأمین انرژی داخل کشور و از سویی دیگر گسترش برنامه های مبادلات بین المللی گاز طبیعی با توجه به جایگاه ایران در بازارهای بین المللی مطرح گردید.

بهره برداری از پالایشگاه گازی ایلام

در تابستان گذشته رسانه ها، خبر راه اندازی فاز یک پالایشگاه گازی

نام های تنگ بیجار و کمانکوه که به وسیله یک ناودیس از یکدیگر جدا می شوند تشکیل شده است. در فاز نخست بهره برداری از میدان در حال حاضر ۵ حلقه چاه گازی به همراه تأسیسات مرکزی (TCF) و خطوط لوله جریانی راه اندازی شده است. مهندس ضیغمی -مدیر عامل شرکت نفت مناطق مرکزی ایران- در خصوص فاز دوم این پروژه گفت: "برای فاز دوم ۳ حلقه چاه در دستور کار قرار گرفته که حفاری چاه اول با متراژ ۲۶۰۰ متر به پایان رسیده و چاه دیگر نیز در عمق ۲۴۰۰ متری آماده برای بهره برداری است." ضیغمی هزینه های کنونی طرح را یک هزار و ۶۵۰ میلیارد ریال عنوان کرد که این مبلغ برای پاکسازی محوطه از مین های جنگی، طراحی و خرید کالا، اجرای حفاری چاهها و تأسیسات خطوط لوله و انتقال خطوط نیرو و مخابرات صرف شده است.

پالایشگاه ایلام و دلایل تأخیر آن

پالایشگاه گاز ایلام که مصرف کننده گاز میدان تنگ بیجار است در ۲۵ کیلومتری شمال غربی ایلام و ۱۲ کیلومتری غرب بخش جوار ساخته شده است، که در فاز نخست روزانه ۶ میلیون و ۸۰۰ هزار متر مکعب گاز میدان تنگ بیجار را دریافت کرده و پس از شیرین سازی ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار مترمکعب گاز شیرین سازی شده را به خطوط انتقال تزریق می کند. پروژه پالایشگاه گاز ایلام در سال ۱۳۷۹ تعریف شد که از همان ابتدا به دلیل تأخیر در انتخاب پیمانکار، عملیات شروع پروژه و احداث سایت صنعتی پالایشگاه تا خردادماه سال ۱۳۸۰ به طول انجامید و در نهایت فاز نخست پروژه با ۱۸ ماه تأخیر نسبت به برنامه به اتمام رسید. در خصوص دلایل بروز تأخیر چنین پروژه ای که یکی از تأثیرگذارترین پروژه های غرب کشور بوده است، صحبت های زیادی مطرح شده، اما به نظر کارشناسان سه دلیل اصلی بروز این تأخیر را سبب شده است. منوچهر طاهری -رئیس شرکت پالایش گاز ایلام- در این باره می گوید: "۳ دلیل عمده در این خصوص وجود دارد. دلیل اول، تغییر محل احداث پالایشگاه پس از شروع اولیه پروژه است. مدت کوتاهی پس از شروع عملیات احداث پروژه در خردادماه سال ۱۳۸۰، به خاطر مسایل زیست محیطی و صرفه اقتصادی، محل احداث پالایشگاه تغییر کرد، این امر باعث شد تا نقشه های طراحی شده مهندسی و ساختمانی پالایشگاه تغییر کند و برای طراحی مجدد زمان زیادی صرف شود. علاوه بر این امر، محل جدید تعیین شده برای احداث پالایشگاه شیب زیادی داشت و اختلاف ارتفاع بالاترین و پایین ترین نقطه محوطه احداث به ۱۰۴ متر می رسید که لازم بود تا قبل از شروع کار این اختلاف ارتفاع حذف گردد. این امر نیز هزینه و زمان زیادی را بر طرح تحمیل کرد و برای حذف آن حدود ۵ میلیون مترمکعب خاکبرداری صورت گرفت. در نهایت تمامی این تأخیرها سبب گردید تا در ۲ سالی که از مدت احداث پالایشگاه می گذشت، پروژه تنها ۱۷ درصد پیشرفت داشته باشد."

مهندس طاهری دلیل دوم تأخیر در انجام پروژه را اجرای سیاست اتان زدایی پس از طراحی اول می داند. او می گوید: "پس از تهیه طرح مجدد پالایشگاه، وزارت نفت سیاست استراتژیک خود را مبنی بر اتان زدایی از گاز طبیعی ابلاغ نمود که در این راستا، طرح پالایشگاه ایلام نیز مشمول آن قرار گرفت و نیاز شد تا واحد بزرگ اتان زدایی به مجموعه طرح پالایشگاه افزوده شود. با اضافه شدن واحد جدید اتان زدایی، تغییراتی در طرح ایجاد شد و در طراحی تأسیسات جانبی از جمله برق، بخار آب و ... بازنگری شد. دلیل سوم که علاوه بر تأخیر در انجام پروژه باعث آسیب دیدن پیمانکار نیز شد، تأخیر در ساخت قطعات داخلی بود. با توجه به هدف تأمین حداکثر قطعات از داخل کشور، دیر رسیدن تجهیزات و لوازم سفارش داده شده به پیمانکاران باعث شد پروژه پیشرفت کند و داشته و در نهایت باعث تأخیر نسبت به زمان برنامه ریزی شده گردد." با توجه به صحبت های انجام شده در خصوص تأخیرها، به نظر می رسد که دو دلیل اول و دوم بیشترین تأثیر را در بروز تأخیر در انجام پروژه داشته اند.

محصولات و فواید جانبی پالایشگاه

پالایشگاه ایلام علاوه بر شیرین سازی روزانه ۵ میلیون و ۸۰۰ هزار متر مکعب گاز طبیعی، محصولات جانبی نیز شامل روزانه ۳۷ هزار تن اتان به عنوان خوراک پتروشیمی ایلام در تولید اولفین، ۱۳۳۰ مترمکعب پروپان و بوتان، ۱۲۰۰ مترمکعب C_5^+ و ۳۴۰ تن گوگرد را تولید می کند. همچنین انجام این پروژه در کنار برخورداری فراگیرتر استان های ایلام و کرمانشاه از نعمت گاز طبیعی، فواید دیگری نیز داشته است. به گفته رئیس شرکت پالایش گاز ایلام، پروژه احداث پالایشگاه ایلام در اوج مرحله ساخت ۱۸۰۰ نفر را به کار گرفته است که در مراحل نهایی پروژه این تعداد به ۱۲۰۰ نفر رسیده است و در زمان بهره برداری نیز پالایشگاه ۳۰۰ نفر نیروی رسمی خواهد داشت که حداقل ۲۷ درصد از این تعداد، از نیروهای بومی منطقه انتخاب خواهند شد. پروژه تنگ بیجار نیز در اکثر مراحل طرح از نیروهای بومی کمک گرفته و تعداد ۱۲۲ واحد مسکونی نیز در شهر ایلام در اختیار کارکنان منطقه تنگ بیجار قرار خواهد گرفت. از لحاظ ملی نیز در ساخت پالایشگاه در حدود ۳۵ درصد تجهیزات، و در پروژه تنگ بیجار حدود ۴۰ درصد تجهیزات از داخل کشور تأمین شده است. میزان هزینه ارزی و ریالی پالایشگاه ایلام ۳۲۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است که پس از ۱۸ ماه از زمان بهره برداری، سرمایه گذاری اولیه باز خواهد گشت. برنامه احداث فاز دوم پالایشگاه با هزینه ای بالغ بر ۷۰ میلیون دلار و در مدت ۲۴ تا ۳۰ ماه اجرا می شود و با اتمام آن ظرفیت فرآوری پالایشگاه به ۱۰ میلیون متر مکعب در روز خواهد رسید و این امر درآمد حاصل از پالایشگاه را در فاز اول از ۲۶۴ میلیون دلار در سال به ۳۹۶ میلیون دلار در سال افزایش خواهد داد.

بروز مسائل مدیریتی مقدم بر مشکلات فنی و اقتصادی

حال با توجه به اتمام این طرح با تأخیر زمانی یک سال و نیمه، می‌توان دلایل عمده بروز این تأخیر را بررسی کرد. مجدداً یادآوری می‌کنیم که این پروژه بنابه آنچه که پیش بینی شده ۱۸ ماه زمان بازگشت سرمایه دارد و برای رفع چهره فقر از ناحیه غربی کشور مهم و ضروری است. به این ترتیب بررسی علل تأخیر آن حساسیت بیشتری دارد و همان طور که در ادامه گزارش خواهیم دید پیش‌بینی مشکلات و چاره‌جویی برای آنها عملی بود. مرور این مشکلات به گرفتن درس های ذیقیمت در پروژه‌های مشابه کمک خواهد کرد. به گفته مهندس طاهری اولین دلیل تأخیر در انجام پروژه، تغییر مکان احداث طرح بوده است که موجب تغییر طراحی اولیه گردیده است. با توجه به نظر مدیران و کارشناسان، مسایل زیست محیطی طرح های صنایع نفت و گاز قبل از تعیین محل احداث طرح قابل بررسی بود و مجوزهای زیست محیطی لازم را می شد از سازمان محیط زیست اخذ کرد تا پس از انجام طراحی اولیه، طرح با توقف مواجه نگردد. یک آسیب شناسی ساده نشان می دهد که در آغاز این طرح نیز به مانند بسیاری از طرح های مشابه، یک تفکر سخت افزاری حاکم بوده و مدیران به جای اهتمام در پیشبرد هماهنگ و منطقی طرح براساس یک دستورالعمل مشخص و برنامه ریزی شده بر کنگ زنی طرح اهتمام ورزیده اند. همچنین انتخاب محل دوم برای احداث پالایشگاه نیز خالی از اشکال نبوده و حجم بالای عملیات خاکبرداری و هزینه های بالای آن موجب تأخیر مجدد طرح گردیده است. به هر حال ۵ میلیون مترمکعب خاک برداری چه از لحاظ زمانی و چه از لحاظ اقتصادی فشار مضاعفی را بر طرح وارد نموده است. باید توجه کرد که عمر بالای ۲۰-۳۰ ساله یک پالایشگاه گازی، انتخاب محل مناسب احداث را از لحاظ جغرافیایی، زیست محیطی و اقتصادی به یکی از مهم ترین فاکتورها بدل می کند که لازم است بر انجام آن دقت و توجه خاصی لحاظ شود.

از سویی دیگر تغییر و ابلاغ سیاست وزارت نفت مبنی بر اتان زدایی از گاز طبیعی نیز دلیل دیگر تأخیر در انجام طرح عنوان شده که لازم است آن را به صورت علمی و کارشناسانه مورد بحث و بررسی قرار داد. باید توجه کرد که تنها براساس یک بررسی فنی-اقتصادی است که می توان انجام سیاست اتان زدایی در پالایشگاه ایلام را رد یا قبول نمود و به صرف بیان تأخیر

در انجام طرح نمی توان از کنار آن گذشت. هر چند که طراحی دوباره بخشی از تاسیسات پالایشگاه باعث بروز مشکلاتی شده است، اما در صورت مثبت ارزیابی شدن آن نمی توان این امر را منفی تلقی نمود. چراکه شاید براساس برآوردهای اقتصادی، حجم اتان تولیدی بتواند میزان تأخیر صورت گرفته در طرح را جبران کرده و حتی به شاخص های اقتصادی طرح نیز کمک نماید.

از جنبه دیگر با توجه به اجرای قانون استفاده از حداکثر توان داخلی در انجام پروژه های کشور، باید دقت کرد که مبادا در مواردی این قانون حاشیه نسبتاً امنی برای بعضی از تولید کنندگان داخلی ایجاد کند و الزام پیمانکاران در اجرای این قانون سبب شود تا در برخی از موارد ضررهای غیر قابل جبرانی به طرح ها وارد گردد. البته در جنبه های مثبت این قانون تردید نیست و اجرای درست آن می تواند سبب رشد و ارتقای فنی و صنعتی کشور شود. چاره کار آن است که با وضع قوانین شفاف و روشنی با پیش بینی غرامت ها و جریمه های معقول، شرکت ها و صنایع بیش از این ملزم به انجام تعهدات خود در زمان تعیین شده گردند. به این ترتیب با اطمینان بیشتری می توان از تکرار چنین وقایعی که در انجام پروژه های صنایع نفت و گاز نگران کننده است، جلوگیری کرد.

نبود یک مدیریت جامع و عدم هماهنگی شرکت های درگیر

در کنار مسایلی که درباره علل تأخیر ساخت پالایشگاه در بالا ذکر شد، به نظر می رسد تأخیر چند ماهه ای نیز به دلیل بروز برخی ناهماهنگی ها بین شرکت ملی گاز ایران از جهت ساخت پالایشگاه و خط انتقال ۳۰ اینچ گاز تصفیه شده و شرکت نفت مناطق مرکزی ایران در توسعه میدان تنگ بیجار و مهیا نمودن شرایط تحویل گاز به پالایشگاه صورت گرفته است. در چنین مواردی بهتر آن است که طرف های درگیر به جای انکار مشکلات یا انداختن تقصیرها به گردن طرف دیگر با شهادت علت ها را موشکافی کنند تا یافتن چاره ها در موارد مشابه بعدی آسان شود. این امر نشان می دهد که شاید پیش بینی یک مدیریت جامع در انجام طرح خود می توانست برخی از مشکلات جدی طرح را حل کند و به ایجاد یک تعامل شفاف تر در بین این دو شرکت کمک نماید. ایجاد چنین مدیریت جامع در بسیاری دیگر از موارد بین شرکت های دولتی و شرکت های وزارت نفت انجام طرح ها را تسریع و تسهیل می کند، یا دست کم از تأخیرها می کاهد.

